

یادداشت
علاءالدین پروچردی آ نماینده مجلس

جمهوری اسلامی ایران قدرتی فرامنطقه‌ای



جمهوری اسلامی ایران چگونه به این جایگاه در جهان، دست پیدا کرده، مورد چرکنگنه ضروری است.

بر اساس قانون اساسی، مسئولیت سیاست‌گذاری های کلان نظام، با مقام معظم رهبری است و پیش از ایشان نیز بنیان‌گذار جمهوری اسلامی ایران، حضرت امام خمینی (ره) نقشه راه را ترسیم می کردند.

درواقع، مولفه‌هایی مانند اصول اسلامی، عزت، حکمت، مصلحت، اتکا به توانمندی های ملی و قطع هرگونه وابستگی به خارج، سبب شد تا ایران بتواند از شرایطی دشوار عبور کند و به قدرتی فرامنطقه‌ای و تاثیرگذار در جهان تبدیل شود. برای نمونه، چنانچه ما به توصیه امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری، مبنی بر این‌که ما می‌توانیم، عمل نمی‌کردیم و می‌خواستیم در حوزه تسلیحاتی، به دیگر کشورها وابسته باشیم، به چنین جایگاهی که امروز در آن قرار داریم، دست پیدا نمی‌کردیم. همچنین بذر خودباوری ملی را امام خمینی (ره) در آغاز پیروزی انقلاب اسلامی، در اندیشه نخبان کاشتند و امروز این بذر، به درخت تنومندی بدل شده است که از میوه آن استفاده می‌کنیم. نباید از یاد برد که جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان کشوری که در دوران سخت جنگ تحمیلی، فاقد حتی یک موشک بود تا از خود دفاع کند، امروز به یکی از قدرت‌های بزرگ موشکی جهان تبدیل شده است. البته این یک مصداق است و باید توجه داشت که در زنجیره بلند اقتدار ملی، حلقه‌های متعددی وجود دارد و حلقه توانمندی نظامی، یکی از حلقه‌های مهم این زنجیره است که در امنیت و اعتبار منطقه‌ای و جهانی ما تاثیرگذار بوده است.

در زمانی که آمریکا ابرقدرت بود و در جغرافیای سیاسی جهان، اتحاد جماهیر شوروی وجود داشت، امام خمینی (ره) فرمودند که آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند. ایشان حتی بحث نه شرقی، نه غربی، جمهوری اسلامی را مطرح کردند پس به عبارت دیگر ما شاهد بودیم که جمهوری اسلامی ایران در دهه اول انقلاب در مقابل دو ابرقدرت روز جهان، به عرض اندامی قدرت‌مندانه و مبتنی بر باورهای اسلامی پرداخت.

درواقع این اندیشه سبب شد که اکنون ما به قدرتی تبدیل شویم که در محاسبات جهانی، جایگاه ویژه‌ای دارد. برای نمونه، شاید هیچ کشوری در جهان جرات نداشته باشد که به پایگاه آمریکایی‌ها شلیک کند، پیهیاد آنها را ساقط کند و یا سربازان آمریکایی را در خلیج فارس به اسارت بگیرد.

این مسائل، یعنی این‌که جمهوری اسلامی ایران دارای اقتدار ملی است و به قدرتی تبدیل شده که توان مقابله با ابرقدرت‌ها را دارد و چنین کشوری در محاسبات منطقه‌ای و جهانی، جایگاه ویژه‌ای دارد. لازم به یادآوری است که اقتدار جمهوری اسلامی ایران مبتنی بر تفکر و اندیشه ناب اسلامی و حضرت امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری است و در این بین، مولفه‌هایی مانند خودباوری ملی، عزت، حکمت، مصلحت و تکیه بر دانش بومی بسیارمهم است. در این بین، مقام معظم رهبری بسیار تاکید دارند که ما باید دانش خود را بومی کنیم و به دیگر کشورها، وابسته نباشیم.

به‌این ترتیب، چنین رویکردی سبب شده که ما امروز به قدرتی تاثیرگذار و پایدارگذار تمدن نوین اسلامی تبدیل شویم. نباید از یاد برد که جهان اسلام، زمانی جایگاه ویژه‌ای در دنیا داشت اما به‌دلایل مختلف، استعمار این قدرت را تضعیف کرد. اما امروز ما به دنبال احیای تمدن اسلامی هستیم که یک مسأله بسیار راهبردی و مهم است. دراین بین، سرمایه اجتماعی ایجادشده از این رویکرد جمهوری اسلامی ایران، شامل امت اسلامی نیز می‌شود و درواقع سرمایه‌ای بزرگ برای همه مسلمانان است.

برای نمونه، وقتی عملیات وعده صادق ۲ انجام شد، باوجود همه تبلیغاتی که دشمنان صورت داده بودند که ایران، اقدامی نخواهدکرد اما اقدام ایران، موجب شگفتی همه دنیا شد و تحلیلگران بزرگ جهان عرب، این اقدام را تحسین کردند و آن را نمادی از اقتدار اسلامی دانستند. این نکته را نیز باید تصریح کنم که برای ماندن در این مسیر، لازم است صبر و مقاومت پیشه کرد؛ به عبارت دیگر جبهه مقاومت، تفکر انقلاب اسلامی است و جمهوری اسلامی ایران، این درس را به دنیا داد که به آمریکا به هیچ وجه نمی‌توان اعتماد کرد. افزون بر این، مشخص شد که آمریکا و رژیم صهیونیستی قدرت نمی‌یستند و کشتار مردم بی‌گناه در غزه، هنر نیست. آمریکا و رژیم صهیونیستی حتی نتوانستند در برابر حماس به پیروزی برسند و باید تاکید کرد که حماس و به‌طور کلی جریان مقاومت اسلامی در منطقه، در نهایت برنده نهایی خواهد بود.

همزمان با اوج گرفتن جنایات رژیم صهیونیستی در غزه و لبنان و همچنین باقوت‌گرفتن جریان مقاومت خاصه پس از پاسخ موشکی مقتدرانه سپاه در عملیات وعده صادق ۲، پیاده نظامی

نیروهای موسوم به اپوزیسیون برانداز جمهوری اسلامی برای صهیونیست‌ها جلوه دیگری به خود گرفته است؛ این گروه با تنزل پاسخ موشکی ایران، این حق مشروع را برای تل آویو در نظر گرفته‌اند که بدون فوت‌وقت بتواند علیه کشورمان عملیات نظامی و ایذایی ترتیب بدهد. حمایت براندازان از حمله‌نظامی ایران، در حالی است که ایشان همواره مدعی ایران دوستی بوده و ادعا‌داشتند که جمهوری اسلامی کمترین نسبت را با عناصر میهن دوستی دارد. شدت گرفتن جنایات صهیونیست‌ها اما چگونه موجب بر ملا شدن ذات ضد ایرانی براندازان شد؟

این روزها با بررسی اردوگاه براندازان خشونت‌طلب، به وضوح می‌توان شوق وافر ایشان از خون آشامی نتانیاهو در غزه و لبنان را دید. رژیم موقتی صهیونیستی با هر جنایت و ترور، موجی از خوشحالی را در میان براندازان برمی‌انگیزد. این خوشحالی اما محدود به جنایات نتانیاهو در غزه و لبنان نیست و به‌طور حیرت‌انگیزی، احتمال تکرارشان در خاک ایران را نیز شامل می‌شود. پس از عملیات مشروع وعده صادق ۲ که به نابودی بخشی از مراکز راهبردی رژیم صهیونیستی منجر شد، خشونت‌طلبان این فضا را ایجاد کردند که این، ایران است که در حال متشنج‌کردن وضعیت بوده و در چنین شرایطی، تل آویو حق دارد به‌طور جدی به ایران پاسخ نظامی بدهد. اطلاعیه‌ی ضابطه‌پلوی که در آن اسرائیل را دوست مردم ایران دانسته و موهومات خود درباره پرکردن خلأ‌قدرت پس از دوره سرتنگونی را مطرح کرده بود، یا خط تحلیلی شبکه اسرائیلی «ایران اینترنشنال» که خواستار بمباران اتمی محل اقامه نماز جمعه نصر

شده بود، از جمله گراهای نظامی خشونت‌طلبان بود که به کارفرمایانشان در تل آویو ارسال شد. این اقدامات نشان می‌دهد که براندازان خشونت‌طلب، برخلاف ادعای همیشگی‌شان مبنی بر ایران دوستی، مطلقا هیچ دغدغه ملی و میهنی ندارند و برای رسیدن به هدف‌شان، یعنی کسب قدرت و بیش از آن، کسب منفعت بیشتر حاضرند هر امری حتی وطن را ابزار قرار بدهند.

از طرف دیگر، این موضوع تقریبا بر هر فرد منصفی مسلم شده که امر مبارزه برای براندازان یک کسب‌وکار سودآور است تا یک روش برای آنچه خودشان احقاق

حقوق ایرانیان می‌پندارند. در واقع خشونت‌طلبان با عقد قراردادهای میلیون دلاری با مراکز و نهادهای قدرت در کشورهای غربی، خاصه در آمریکا، پروژه‌های این کشورها در ایجاد ناامنی روانی میان ایرانیان را پیش می‌برند. برای نمونه تیر ۱۴۰۲ دادگاه منطقه کلمبیا در آمریکا، در پرونده شکایت مسیح علی‌نژاد از جمهوری اسلامی، ایران را به پرداخت بیش از سه‌میلیون دلار غرامت به او، محکوم کرد؛ مبلغی که قرار شد از محل دارایی‌های مسدود شده ایران در آمریکا یا اروپا پرداخت شود؛ موضوعی که رسماً دزدی از اموال مردم ایران محسوب می‌شد.



جبهه براندازان جمهوری اسلامی، این روزها و همزمان با شدت گرفتن تنش‌ها در منطقه، به طور عیان تبدیل به پیاده‌نظام صهیونیست‌ها شده‌اند

عملیات‌های صهیونیست‌ها در ایران و در منطقه، فراهم شود. تلاش شبه‌رسانه‌های درپوزه‌ای نظیر ایران اینترنشنال و منوتو برای رودررو قرار دادن مردم با حاکمیت، در شرایطی است که واقعیت جامعه ایرانی، اساسا هیچ انطباقی با اوهام آنها ندارد. حضور پرشور مردم در نماز جمعه‌نصر و امیدآفرینی خطبه‌های رهبر حکیم انقلاب اسلامی در سطح جامعه، نشان داد که صف مردم ایران از صف مزدوران فاندبگیر مستقر در لندن و سایر نقاط، جداست و هیچ‌وجه اشتراکی نمی‌توان میان این دو صف یافت.

فضاسازی‌های اخیر براندازان و حمایت آنها از حمله نظامی اسرائیل به ایران، آشکارا نشان می‌دهد براندازان در واقع پیاده نظام صهیونیسم هستند و هیچ ماموریتی جز ویرانی ایران ندارند. آغاز به کار شبکه سلطنت‌طلب «من و تو» که سر در آخور شبکه‌های مالی محافل یهودی دارد، آن هم در اوج تنش‌های منطقه‌ای و حرف و حدیث‌ها پیرامون احتمال تجاوز تل آویو به ایران، نشان می‌دهد که اصل کارکرد وجودی این شبه‌رسانه‌ها، در واقع ناامن‌سازی و پریشان‌سازی ساختار روانی مردم ایران است تا به این صورت، زمینه مناسب برای مشروعیت‌بخشی به

✎ نامزایمانی | کارشناس مسائل سیاسی

همدستی باجنایتکاران علیه تمامیت ارضی

سیاسی خود باید تصمیم بگیرد که می‌خواهد درسمت دشمن بایستد یا این‌که در طرف ایران قرار بگیرد. اینجا یک بزنگاه مهم برای چند ماه گذشته یا چند ماه آینده است و افرادی که مدعی طرفداری مردم ایران و درعین حال مخالف جمهوری اسلامی هستند، باید مشخص کنند که آیا به حمایت و دفاع از مردم ایران برخوانند خاست یا این‌که از کسانی که علیه موجودیت مردم ایران تهدید می‌کنند، هواداری خواهند کرد. متأسفانه شاهدیم که برخی از نیروهای اپوزیسیون و به‌رغم این‌که ادعاشان ایران و ایرانی‌ها است، در این زمینه کم آوردند و بعضی از آنها، مشخصا سلطنت‌طلبان، نتوانستند یا نخواستند مسأله ایران و ایرانی را از موضوع حکومت جمهوری اسلامی تفکیک کنند و در این منازعه از رژیم صهیونیستی حمایت کردند. طبعاً برای هر ایرانی آزاده‌ای که از انصاف برخوردار است و می‌خواهد براساس وجدان بشری عمل کند، حتما این گزینه مطرح است که در شرایطی که برخی از نیروهای خارجی مدعی آسیب‌رساندن به تمامیت ارضی کشورمان هستند، دیگر موضوع پرسکار بودن جمهوری اسلامی یا هر نظام دیگری مطرح نیست، بلکه الان مسأله اصلی ایران و مردم ایران است و با توجه به رویکرد‌های این بخش از اپوزیسیون، کاملاً می‌توان دریافت که این مدعیان پرگو در این بزنگاه تاریخ امتحان بدی را پس دادند. این بزنگاه‌ها کاملاً نشان می‌دهد که این بخش از اپوزیسیون با وجود همه مدعیات‌شان چقدر در ادعای طرفداری از مردم ایران صادق هستند. شواهد نشان می‌دهد که آن شبی که جمهوری اسلامی عملیات وعده صادق ۲ را آغاز کرد و اراضی اشغالی و رژیم صهیونیستی را هدف موشک‌های خود قرار داد چه واکنش شرم‌آوری را از خود بروز دادند. درحالی‌که بسیاری از مردم ایران و حتی برخی از ملت‌های دنیا بعد از حمله ایران به رژیم اشغالگر قدس، صرف‌نظر از هر دیدگاه و مرام اعتقادی که داشتند، خوشحالی خود را از اقتدار موشکی جمهوری اسلامی اعلام کردند. اما جریان‌های اپوزیسیون و سلطنت‌طلبان با نگرانی نسبت به این مسأله واکنش نشان دادند و ناراحتی خود را از عملیات وعده صادق ۲ اعلام کردند. این رفتار به‌خوبی حاکی از آن است که چقدر میان این بخش از اپوزیسیون و مردم ایران فاصله ذهنی وجود دارد و آنها در یرت‌شدگی از جامعه ایرانی به‌سر می‌برند.

طی چند ماه گذشته کشور تحولات و رویدادهای مختلفی را از سر گذراند که نوع واکنش نسبت به این تحولات از سوی جریان‌ها و گروه‌ها اعم از اپوزیسیون یا غیراپوزیسیون نشان می‌دهد که کدام تفکر و رویکرد سیاسی و اعتقادی در مسیر درست تاریخ ایستاده است. ما طی دو ماه گذشته با رخدادی مثل ترور شهید اسماعیل هنیه، رئیس دفتر سیاسی حماس و مهمان عالی‌رتبه جمهوری اسلامی در کشور از سوی رژیم صهیونیستی روبه‌رو بودیم. از سوی دیگر از یک‌سال گذشته رژیم اشغالگر قدس با اقدامات جنایتکارانه‌اش فجایع بسیاری را در اراضی اشغالی، منطقه غزه و همچنین مناطقی از لبنان انجام داده و در کنار آن دست به ترور برخی از مقامات بلندپایه برجسته نظامی ایران در خاک لبنان زده است. با توجه به چنین رخدادهایی کاملاً مشخص است که جمهوری اسلامی در این شرایط در پیک پیچ وگذرگاه خاص و حساسی به‌سرمی‌برد و اکنون زمان آن است که بسیاری از کسانی که در داخل یا خارج از کشور با عملکرد جمهوری اسلامی مخالفت دارند، تصمیم قطعی خود را بگیرند و واکنش روشن و شفاف‌ی را نسبت به این پدیده از خود نشان بدهند. این جریان مخالف و کسانی که در قالب اپوزیسیون به مخالفت با جمهوری می‌پردازند، باید به‌طور مشخص بگویند که در سمت رژیم صهیونیستی قرار می‌گیرند یا درکنار مردم ایران قرار دارند. این نکته را باید توجه داشت که طی چند ماه گذشته دولتی بر سر کار آمده که پیام حمایت از همه ایرانیان داخل و خارج از کشور را، صرف‌نظر از اعتقادات، به داخل و خارج از ایران مخابره می‌کند و با توجه به وجهه مردمی‌ای که رئیس‌جمهور دارد، به‌نظر می‌رسد که تصمیم‌گیری برای این بخش از مخالفان جمهوری اسلامی که در نقش اپوزیسیون فعالیت می‌کنند، بسیار دشوار شده است. ازسویی دیگر، درحال حاضر به‌لحاظ رسانه‌ای با تبلیغات رژیم اشغالگر قدس مواجهیم که ادعا می‌کند علیه خاک ایران اقدامات نظامی انجام خواهد داد و بنابراین دراین مقطع‌کسی که ایرانی است صرف‌نظر از اعتقادات و سلیقه

گزارش

دیپلماسی علیه جنگ

سفر وزیر خارجه کشورمان به عربستان و سپس به قطر، آغاز دور جدید تلاش‌های دیپلماتیک

جمهوری اسلامی ایران با هدف توقف جنایات صهیونیست‌هاست

مشترک برای ادامه مسیر تقویت روابط در حوزه‌های مختلف سیاسی، امنیتی و اقتصادی تاکید کردند». عراقی علاوه‌بر وزیر امورخارجه عربستان، عصر دیروز با محمدبن سلمان ،ولیعهدسعودی نیزدیدار به‌عمل آورد. بنابر اعلام برخی رسانه‌ها، مقصد بعدی سفرهای منطقه‌ای عراقی، دوحه پایتخت کشورقطر خواهد بود. عراقی هفته گذشته نیز در سفر مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور کشورمان به دوحه برای شرکت در سومین نشست سران مجمع گفت‌وگوی همکاری آسیا، او را همراهی کرده بود. سفرهای عراقی به کشورهای منطقه با هدف جلوگیری از ماشین کشتار صهیونیست‌ها، در شرایطی است که رژیم موقتی اسرائیل، تلاش دارد ایران را عامل بی‌ثباتی در منطقه و با این تصویرسازی، جنایات خود را مشروع جلوه‌بدهد. ایران در مقابل، بارها اعلام کرده



قدرت و اخذ پشتیبانی‌های سیاسی و اقتصادی از واشنگتن، به خون‌های بیشتری برای ریختن در منطقه نیاز دارد. در چنین شرایطی کشورهای مسلمان منطقه باید برای نجات برادران دینی خود از شر وضعیت وخیم موجود، هرچه زودتر به تعافل پایان بدهند و به ایده‌های ثبات‌بخش ایران پیوندند.



سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه کشورمان، روز گذشته و برای اولین‌بار از زمان تصدی مسئولیت وزارت امورخارجه، با هدف رایزنی درباره تحولات منطقه و کمک برای جلوگیری از جنایات صهیونیست‌ها، وارد ریاض شد. عراقچی هفته قبل برای اعلام موضع صریح ایران در حمایت از محور مقاومت و محکومیت جنایات رژیم صهیونیستی، ابتدایه بیروت و سپس به دمشق، سفر و با مقامات ارشد این دو کشور دیدار کرده بود. وزیر امورخارجه کشورمان در بدو ورود به فرودگاه ریاض، با اشاره به اهداف سفرش به عربستان اظهار کرد: «هدف من از این سفر، رایزنی درخصوص مسائل منطقه و تحولاتی است که در این منطقه در حال صورت‌گرفتن است. در لبنان، غزه و جنایاتی که رژیم صهیونیستی در حال ارتکاب آن است،